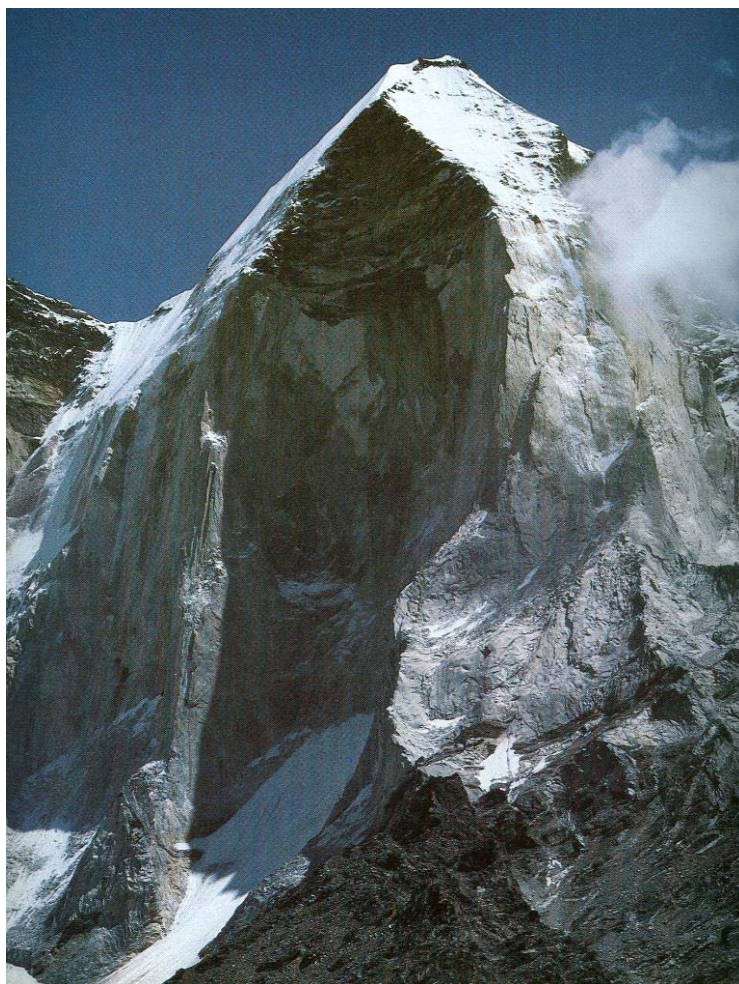


بهاگیراتی III ۶۴۵۴ متر

تیغه جنوب غربی

بهاگیراتی III قله مرکزی و کوتاه ترین قله از ۳ قله بهاگیراتی است که از یخچال گانگوتری دیده می شوند. در واقع بهاگیراتی III تماشایی ترین آن هاست. در سمت غربی، دیواره ای مقعر تا شیب های برفی قله بالا می رود؛ دیواره ای که قسمت های انتهایی آن شیبی کاملاً منفی دارد. در دو طرف آن گرده های گرانیتی قرار گرفته اند که هر کدام به تنهایی می توانند یکی از دشوار ترین مسیرهای سنگنوردی دنیا باشند.

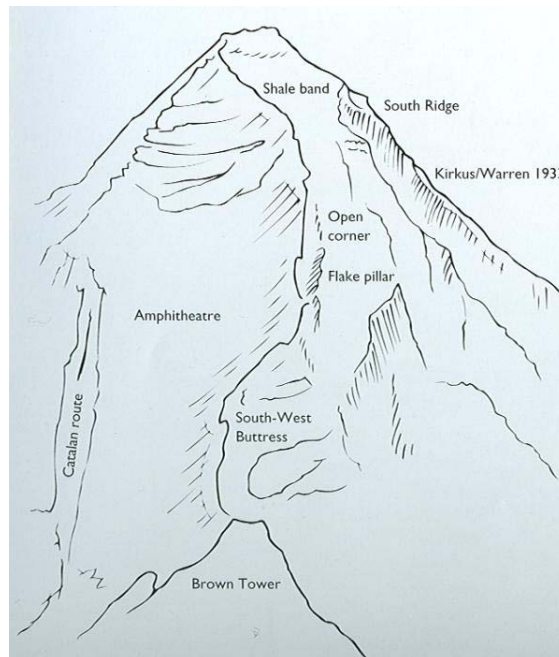


بهاگیراتی III از یخچال گانگوتری. دیواره آملی تاتر در سایه قرار دارد و در سمت چپ مسیر دیواره غربی و انحناى مسیر تیغه جنوب غربی در سمت راست قرار دارد. اولین صعود قله توسط کالین کرکاس و چارلز وارن در سال ۱۹۳۳ از طریق یال

جنوبی (خط الراس انتهایی سمت راست) صعود شد؛ صعودی که در زمان خود یکی از دشوارترین مسیرهایی بود که در همیالیا صعود شده بود. (جان کلر)

کالین کرکاس و چارلز وارن اولین کسانی بودند که در ۱۸ ژوئن ۱۹۳۳ پا بر قله بهاگیراتی III گذاردند. صعود آن‌ها بر روی یال جنوبی یکی از دشوارترین صعودها در همیالیانوردی تا آن زمان بود، هرچند به دلیل شبیه در قله ای که صعود شده بود توجهی درخور صعودشان را دریافت نکردند. در کتاب مارکو پالیس (Marco Pallis)، قله‌ها و لاماها (Peaks and Lamas)، کرکاس از صعودشان به ساتوپانت (Satopanth) می‌نویسد، اما شناسایی بعدی اطریشی‌ها در یخچال گانگوتری نشان داد که چیزی که او توصیف کرده بود در واقع قله مرکز بهاگیراتی یعنی بهاگیراتی III بوده است. صعود آن‌ها متشکل از سنگنوردی در طول‌هایی با درجه سختی IV و چهار روز صعود سبکبار ناب بوده است.

چارلز وارن صعود ۱۹۳۳ را با عنوان "ادامه منطقی یک تعطیلات آلی" توصیف می‌کند. در دهه‌های هفتاد و هشتاد و هنگامی که تعداد کوهنوردانی که برای انجام اولین صعودهای سبکبار بر روی قله‌های دشوار با ارتفاع متوسط مشتاق بودند رو به فزونی گذاشت، این رویکرد با شور و حرارت زیادی مجدداً زنده شد. منطقه گانگوتری که به تازگی بر روی بازدیدکنندگان گشوده شده بود محوطه و سوسه انگیزی بود و گرده‌های گرانیتهی بهاگیراتی III اهداف مشخصی بودند. جورج بتمبورگ آن‌ها را اینگونه توصیف می‌کند: "ال کاپیتان به علاوه جبهه شمالی درو (Droites) بر روی آن، در ارتفاع ۶۰۰۰ متری".



گرده سمت راست به ارتفاع حدود ۱۵۰۰ متر در سال ۱۹۸۲ نصیب اسکاتس باب بارتون (Scots Bob Barton) و آلن فایف (Alen Fyffe) شد. صعود آنها سومین تلاش جدی بر روی گرده بود. صعود آنها که عمدتاً بر روی صخره با درجه بین IV/VI و A۲ بود، بلافاصله محبوبیت پیدا کرد و در سال ۱۹۸۳ یک گروه آمریکایی تلاشی ناموفق بر روی آن انجام دادند. دومین صعود آن در سال ۱۹۸۸ توسط فیل کسل (Phil Castle) و کارول مک درموت (Carol McDermott) اهل نیوزلند انجام شد که توانستند بعضی قسمت‌ها که به صورت مصنوعی صعود شده بود را به صورت طبیعی صعود کنند. این مسیر بار دیگر در سال ۱۹۸۹ توسط یک تیم کره‌ای و در سال ۱۹۹۲ توسط یک گروه دو نفره کانادایی صعود شد.

بارتون و فایف در اولین صعود این مسیر را به روش کپسولی صعود کردند؛ هر روز تا ۶ طول طناب را ثابت می‌گذاشتند و سپس به محل شب مانی قبلی خود فرود می‌رفتند. روز بعد در صورتیکه هوا اجازه می‌داد طناب‌های ثابت را یومار می‌زدند و ضمن صعود وسایلشان را نیز جمع می‌کردند و با خود به بالا می‌کشیدند. روز بعد دوباره برای صعود ۶ طول دیگر تلاش می‌کردند. بارتون در باره آن می‌گوید: "چیزی بین روش صعود دیواره بلند و سبکبار. این روش کاملاً با مقصود ما متناسب بود." "بله مناسب بود، زیرا آنها به طور یکنواخت و مداوم صعود کردند و بعد از ۸ روز به انتهای گرانیتهای رسیدند.

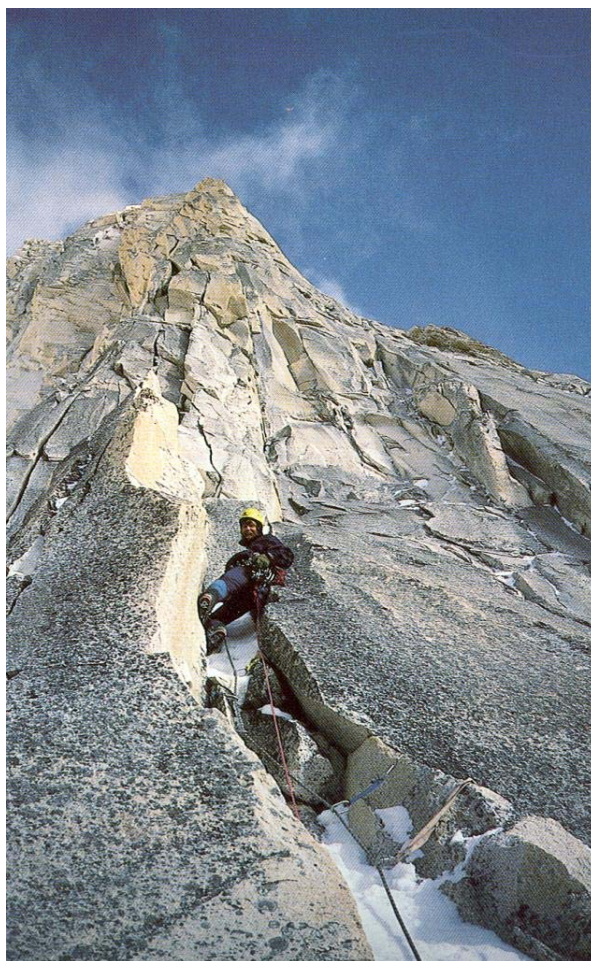
زمانی که اسکاتس مجبور بود با نواری از سنگ های دگرذیسی متورق منطقه گانگوتری دست و پنجه نرم کند ناگهان طبیعت مسیر به طور کامل تغییر کرد؛ بارتون صعود ترکیبی روز بعد را "نمایش وحشتی از عدم امنیت" توصیف کرد. در روز دهم و در حالی که هنوز تا قله فاصله زیادی باقی مانده بود آنها تمام طناب های ثابت و وسایل فنی شان را در کیسه حمل بار گذاشتند و از بالای دیواره رها کردند! صعود یال برف و یخ منتهی به قله دو روز دیگر طول کشید و دو روز هم صرف بازگشت از یال شمالی و یخچال چاتورانگی (Chaturangi) تا بارگاه اصلی شد. فقط می بایست کیسه بارشان را از زیر دیواره مقرر پیدا کنند!

در ماه می ۱۹۸۴ گروه سمت چپ که به رخ غربی مشهور شده است توسط یک تیم اسپانیایی (کاتالونیایی) متشکل از خوان آلدیگوئر (Juan Aldeguer)، سرگی مارتینز (Sergei Martinez)، خوزه مورنو (Jose Moreno) و خوان توماس (Juan Tomas) صعود شد. دو کرده آنها نیز به روش کپسولی و طی ۸ روز مسیر را صعود کردند. آنها شب ها را بر روی نئوی دیواره می گذارند. آنها مسیر شان را به ستاره غیرممکن (Impossible Star) تشبیه کردند: "اساسا صعود آزاد، زیبا، ورزش کارانه، و عمودی، بر روی سنگ گرانیته عالی." بیشتر ۲۹ طولی که صعود کردند درجه $V/VI+$ با بعضی قسمت های A^1 و یک قسمت A^3 . بعد از رسیدن به نوار ریزشی (shale band) آن را "خطرناک" تشخیص دادند، آنها نیز کیسه های بارشان را رها کردند، و با بار سبک تا قله صعود کرده و تا جایی از یال شرقی پایین آمدند که بعد از آن می توانستند با ۸ طول فرود طناب از روی جبهه شمال شرقی خود را به شیب های دشوار برفی یخچال چاتورانگی برسانند.

مسیر کاتالونیای ها به سرعت مورد توجه قرار گرفته و ۴ ماه بعد توسط دیو لین (Dave Lane) و اسکات فلاول (Scott Flavelle) کانادایی دوباره صعود شد. آنها توانستند مسیر را نسبت به کاتالونیایی ها مستقیم تر صعود کنند. سومین صعود در ژوئن ۱۹۸۵ توسط پیر فوره (Pierre Faivre)، جف لمون (Jeff Lemoine)، و گی مولاک بووه (Guy Mevellac Bouvet) فرانسوی دوباره صعود شد. آنها این مسیر را به مسیر سلاتی (Salathe) در یوسمیتی تشبیه نمودند. هر دو گروه مسیر را بسیار دشوار خوانده اند و صعود ۳۰ طول میسر دیواره ۹ روز طول کشید.

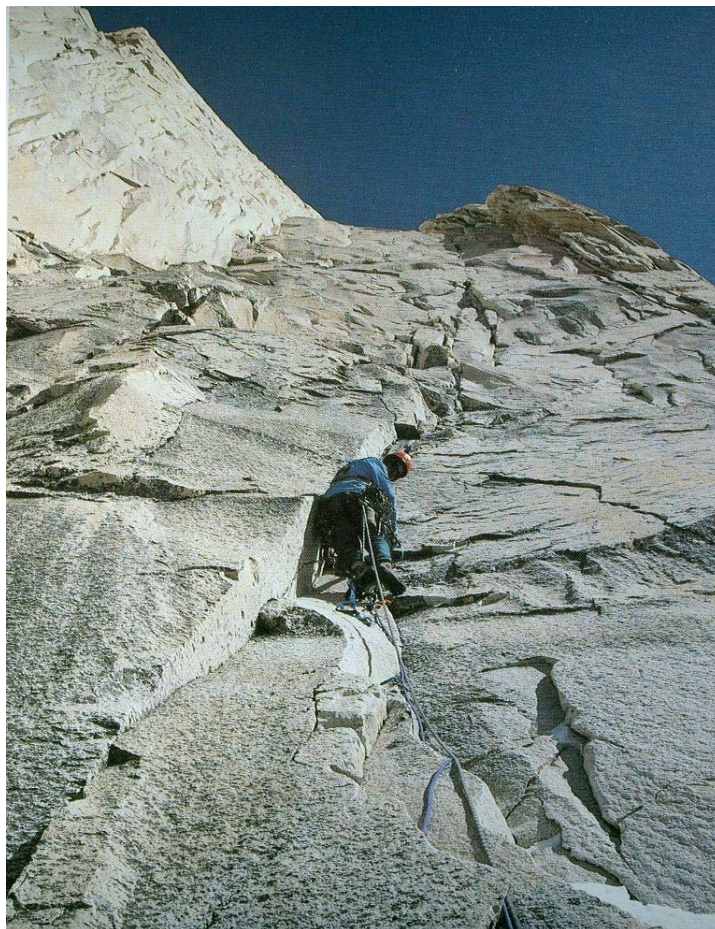
آمفی تئاتر - دیواره مقعر مخوف بین دو گرده - در پاییز ۱۹۹۰ توسط زوج اسلونیایی سیلو کارو (Silvo Karo)، و ژانز ژگلیچ (Janez Jeglic) صعود شد. دشوارترین قسمت این مسیر ۱۶۰۰ متری که VIII و A۴ درجه بندی شده است مربوط است به دیواره با شیب منفی انتهایی.

مسیر اسلونیایی ها بسیار خطرناک و نازیباست و در قسمت های انتهایی آن بر روی سنگ های ریزشی است، در حالیکه هر دو گرده کناری بسیار عالی هستند. مسیر کاتالونیایی ها دشوارتر و عمودی تر است و به همین دلیل بالا کشیدن کیسه های بار راحتتر است اما هیچ طاقچه مناسبی برای شب مانی ندارد. گرده اسکاتلندی ها کمی ساده تر است و طاقچه های شب مانی بهتری دارد؛ همچنین از آنجا که رو به جنوب است بعد از هوای خراب زودتر از پرف پاک می شود.



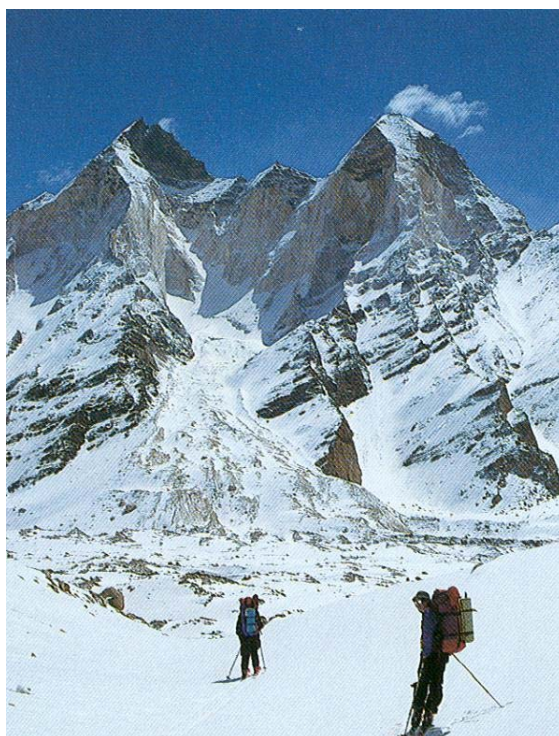
کوهنورد کانادایی، مارک گانلوگسون، در حال لذت بردن از صعود دیواره گرانیتهی عالی تیغه جنوب غربی است. در بالای سمت راست او گرده فلیک نزدیک به آبی آسمان در تصویر دیده می شود (میشا میلر)

در اینجا به توصیف مسیر بارتون/فایف در تیغه جنوب غربی می پردازیم. مسیر از لبه سمت راست آمفی تئاتر و یال مشخص آن موسوم به برج بروان (Brown) آغاز می شود. برای دسترسی به برج بروان باید از یک شن اسکی و یک طول درجه IV گذشت که در معرض ریزش سنگ است. یک گروه قوی که به خوبی هم هوا شده اند قاعدتا باید بتوانند در طی یک روز خود را از تاپوآن به برج براون برسانند. مسیر از روی برج به سمت بالا و سمت راست ادامه می یابد که در ابتدا بر روی گرانیتهی عالی قرار دارد (درجه V). این قسمت شامل یک فرود آونگی (پاندوله) برای دسترسی به یال می شود. و بعد از آن تا رسیدن به یک برفگیر در زیر کنج های رو به سمت چپ ادامه می یابد. صعود این قسمت ها (بدقلق A²) به یک کلاهدک منتهی می شود و بعد از آن مسیر دوباره به سمت راست و یک سیستم شکاف در سمت چپ گرده فلیک (Flake) ادامه می یابد - گرده فلیک مشخص ترین عارضه دیواره است. در اولین صعود برای رسیدن به یک محل شب مانی - طاقچه آونگ - یک فرود آونگی بلند انجام شد. تنها طول دارای سنگ های گرانیتهی لقی طول بالای همین طاقچه بود. بعد از آن یک طول دشوار (V/A²) در پیش رو است. بعد از گرده فلیک یک تراورس رو به بالای فوق العاده (V/A²) به یک کنج باز بزرگ می رسد که بعد از آن صعود ساده تر با درجه V در پیش است. بعد از آن مسیر مستقیم و کمی سمت راست یال، ۸ طول دیگر ادامه می یابد (IV/V). هرچه کوهنوردان بیشتر به سمت چپ متمایل شوند بیشتر می توانند از خطر ریزش های عصر هنگام بپرهیزند. در این قسمت ها می توان طاقچه های بهتری برای شب مانی پیدا کرد، اگر چه نمی توان هیچ کدام را راحت توصیف نمود.



میشا میلر در حال صعود مصنوعی طول فوق العاده دیگری درست در بالای طاقچه آونگ است. آنها در این قسمت هم ارتفاع کرده فلیک هستند (مارک گانلوگسون)

بالتر از سنگ های گرانیتی مسیر به سمت چپ متمایل شده و با گذر از سنگ های مطبق و شیب های یخی به راس آمفی تئاتر می رسد. سپس دوباره به سمت راست و خط الراس برفی و در نهایت قله. در چهارمین صعود مسیر در سال ۱۹۹۲، مارک گانلوگسون (Mark Gunlogson) و میشا میلر (Micha Miller) از انتهای سنگ های گرانیتی تا قله را در یک روز رفته و بازگشتند، سپس از گرده فرود آمدند. گزینه دیگر تراورس قله است. یال شمالی که بارتون و فایف از آن فرود آمدند دشوار است و پیشنهاد نمی شود. بهتر است گزینه کاتالونیایی ها انتخاب شده و از یال جنوب شرقی و رخ شمال شرقی فرود آمد. بیشتر گروه ها وسوسه می شوند وسایل سنگین سنگنوردی شان را مثل اولین صعود کنند ها به پایین پرتاب کنند. اما باید هشدار داد که وسایل کسل (Castle) و مک درموت (McDermote) بعد از یک بارش سنگین مدفون شده و دیگر پیدا نشد!



بهاگیریاتی II در سمت چپ و III در سمت راست. این تصویر در حین یک فرود با اسکی از جبهه شمال غربی گنبد کدارنات (Kedarnath) به ارتفاع ۶۸۳۱ متر گرفته شده است. این مسیر بارها صعود شده است و روز به روز بر محبوبیت آن به منظور صعود با اسکی در بهار افزوده می شود. اولین صعود این مسیر در سال ۱۹۴۷ توسط آندره روش (Andre Roch) اهل ژنو انجام گرفت. رخ شرقی گنبد کدارنات، شامل ۶۰ طول مسیر بسیار دشوار، در سال ۱۹۸۹ توسط یک گروه مجارستانی به سرپرستی آتیلا اوژوات (Atilla Ozsvath) صعود شد. (جان کلر)

نام کوه	بهاگیریاتی III
مکان	رشته گانگوتری، گاروال، هندوستان
ارتفاع	۶۴۵۴ متر
مسیر	تیغه جنوب غربی. ۱۴۰۰ متر صعود، بر روی سنگ گرانیتی پر شیب تا درجه VI/A ^۱ (۸۰۰ متر)، و مسیر های ترکیبی (۶۰۰ متر)
اولین صعود	کالین کرکاس و دکتر چارلز وارن (بریتانیا). ۱۸ ژوئن ۱۹۳۳ از یال جنوبی.
اولین صعود مسیر	۲۸ سپتامبر - ۱۰ اکتبر ۱۹۸۲ توسط باب بارتون و آلن فایف (بریتانیا)
ارتفاع بارگاه	۴۳۰۰ متر، بر روی علفزار در ناندانوان (Nandanvan) در تقاطع چارتورانگی و

اصلی	یخچال های گانگوتری یا کمی پایینتر در تابوآن.
جاده انتهایی	لانکا (Lanka)
طول مدت پیاده روی	۳ روز، در زمین های مسطح، از طریق گانگوتری و گاموک
فصل صعود	بهترین شرایط در ماه های مه یا سپتامبر. در ماه اکتبر هوا برای سنگنوردی بسیار سرد می شود.
مجوز	بنیاد کوهنوردی هندوستان، دهلی نو
ضریب موفقیت	اغلب گروه هایی که تلاش جدی بر روی مسیر داشته اند موفق شده اند به قله برسند. این مسیر ظاهرا چندان در معرض خطر ریزش سنگ قرار ندارد.
کتابنگاری	گزارش آلن فایف Bhagirathi South-West Pillar در مجله Mountain شماره ۹۱. گزارش باب بارتون در AJ مجلد ۱۹۸۳، صفحات ۴۹-۵۴. به صعودهای بعدی مختصرا در AAJ اشاره شده است. همچنین نگاه کنید به کتاب جان بایبیج Peaks and Passes of Garhwal Himalaya (Alpinistyczny Klub Eksploracyjny, u.l. Armii Krajowej ۱۲, ۸۱-۸۴۹ Sopot, Hungary).